

ویژه‌نامه «آواها و نواها و اشعار عامه در

فرهنگ مردم ایران»

سال ۳، شماره ۷، زمستان ۱۳۹۴

تأثیر جنسیت بر اشعار عامهٔ بختیاری

حمید رضایی^۱* ابراهیم ظاهری عبده‌وند^۲

(تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۸، تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۳)

چکیده

جنسیت به‌عنوان هویت اجتماعی افراد، نقش مهمی در شکل‌گیری اشعار عامه، به‌خصوص اشعار محلی بختیاری دارد. این اشعار ضمن بازتاب ارزش‌ها و باورهای مختلف زنان و مردان، در نهادینه‌کردن آنها تأثیر بسزایی دارند. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر جنسیت بر اشعار عامهٔ بختیاری (ترانه‌های نوازشی، لالایی‌ها، آهای گل و سوگ‌سروده‌ها) است که با روش تحلیل محتوا و بر مبنای نظریهٔ نابرابری جنسی واکاوی شده‌اند. این اشعار براساس جنسیت به دو قسمت اشعار زنانه و مردانه تقسیم می‌شوند. خانه عرصهٔ خصوصی و مهارت در انجام کارهای آن مانند نان‌پزی، شیردوشی و مهمان‌نوازی، مختص زنان است. اجتماع و عرصهٔ عمومی و صفت‌هایی مانند مجلس‌نشینی، سخندانی، عاقلی، جنگاوری و

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور (نویسندهٔ مسئول)

*faanid2003@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (گرایش ادبیات معاصر)

شجاعت مختص مردان است. نابرابری جنسی در فرهنگ بختیاری، به صورت عطف‌آمیز است؛ یعنی ضمن نگاه مثبت به زنان، آن‌ها جایگاه پایین‌تری نسبت به مردان دارند. **واژه‌های کلیدی:** فرهنگ بختیاری، شعر، جنسیت، نابرابری جنسی.

۱. مقدمه

برای شناخت مردم و فرهنگ هر منطقه، مطالعه در ادبیات آن‌ها امری ضروری است. در این زمینه، ترانه‌ها و اشعار عامه نقش مهمی دارند. این ترانه‌ها که به‌خودی‌خود ساخته و خوانده می‌شوند، آواهایی هستند که بین مردم رواج داشته و از ضمیر ناخودآگاه و توانایی‌های ذاتی آنان پدید آمده‌اند. این اشعار روح آزادی و سادگی مردم را تجلی می‌دهند، با عواطف و هیجانات ساده سروکار دارند، وصف‌کننده جلوه‌های طبیعت هستند و سرچشمه بسیاری از افکار بشری و بیانگر تاریخ، فرهنگ و اندیشه‌های زنده و گویای مردمی است که احساسات خود را به صورت بدیهی مطرح می‌کنند (محبوب، ۱۳۸۷: ۴۷؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۴۷؛ تمیم‌داری، ۱۳۹۳: ۴۹). اشعار عامه نه‌تنها نقش مهمی در ایجاد تحرک در زندگی افراد دارد و به زندگی آن‌ها جهت می‌دهد؛ بلکه در همه زمینه‌ها، متأثر از فرهنگی هستند که در آن به وجود آمده‌اند. «سادگی و روانی، کلام، ملودی، ضرب‌آهنگ، و وزن ترانه‌ها متأثر از زندگی ساده و بی‌آلایش اقوام می‌باشد و تفکر و روح حاکم بر محتوای ترانه‌ها به طور معمول از حیطه، قلمرو و زندگی روزمره قومی فراتر نمی‌رود» (کاظمی، ۱۳۸۰: ۲۷).

شعر و ترانه در فرهنگ بختیاری، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که معمولاً برای انجام هر کاری از بدو تولد تا مرگ، شعر خوانده می‌شود؛ اشعاری مانند لالایی‌ها، ترانه‌های نوازشی، سوگ‌سروده‌ها، آهای گل، دوالالی، ترانه‌های کار و اشعار صیادی. محتوای این اشعار، دربرگیرنده مسایل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که نگرش‌ها، باورها و ارزش‌ها را بازنمایی می‌کنند؛ بنابراین بررسی آن‌ها می‌تواند نقش مهمی در شناخت این فرهنگ داشته باشد.

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر جنسیت بر اشعار و ترانه‌های نوازشی و لالایی (تولد)، ترانه‌های مربوط به عروسی (ازدواج) و سوگ‌سروده‌ها (مرگ) است. همچنین نوع نگرش به زنان و مردان در فرهنگ بختیاری واکاوی و نابرابری جنسی و عامل آن نشان داده می‌شود؛ زیرا شناخت عوامل ایجادکننده نابرابری جنسی نقش مهمی در توسعه جوامع و نفی تبعیض‌های جنسی و نابرابری بین زنان و مردان دارد.

سؤال‌های اصلی پژوهش بدین شرح‌اند:

۱. جنسیت چه تأثیری بر اشعار عامه بختیاری دارد؟
۲. نابرابری جنسی به چه شکلی در اشعار عامه بختیاری بازتاب یافته است؟
۳. آیا اشعار عامه در فرهنگ بختیاری در نهادینه کردن نابرابری‌های جنسی و اجتماعی نقشی دارند؟
۴. چه مضامینی درباره زنان و خانواده در اشعار عامه بختیاری بازتاب یافته است؟

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون در آثار متعددی، اشعار و ترانه‌های بختیاری جمع‌آوری شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

کتاب‌ها:

فولکلور فرهنگ بختیاری، عباس قنبری عدیوی؛ ترانه‌ها و مثل‌های بختیاری، احمد عبدالهی موگویی؛ دانشنامه قوم بختیاری، سریا داودی حموله؛ موسیقی و ترانه‌های بختیاری، کاظم پوره؛ اشعار و ترانه‌های مردمی بختیاری، بیژن حسینی؛ سور و سوگ در فرهنگ عامه لرستان و بختیاری، محمد حنیف.

پایان‌نامه‌ها:

گردآوری و بررسی و تحلیل ادبی و فرهنگی سوگ‌سروده‌های عامیانه بختیاری، مسعود حسین‌زاده؛ ترانه‌های عامیانه لری: بخش لردگان، کمال شیخی.

در هیچ‌یک از این آثار، به بررسی تأثیر جنسیت بر اشعار عامه بختیاری اشاره نشده است. تنها در مقاله «بررسی مفاهیم سوگ در قوم بختیاری با تأکید بر تحلیل محتوای موسیقی گاگریو» از سوده مقصودی و پژمان شیرمردی، به این موضوع پرداخته شده است. در این مقاله در کنار عواملی مانند تأثیر سن و موقعیت اجتماعی در اشعار گاگریو به عامل جنسیت نیز توجه شده است.

۳. مبنای نظری پژوهش

۳-۱. گویش بختیاری

گویش بختیاری در تقسیم‌بندی گویش‌ها، جزو گویش لر بزرگ است. گویش لر بزرگ ریشه در زبان هندواروپایی دارد. «گویش لر بزرگ خود به دو شاخه تقسیم می‌شود: الف) گویش‌های ممسنی و کهگیلویه‌ای، ب) گویش بختیاری» (اشمیت، ۱۳۸۳: ۵۶۳). گویش بختیاری سه لهجه دارد: لهجه خشن چهارلنگ؛ لهجه منعطف‌تر هفت‌لنگ، و لهجه دیناران که ادغامی از دو لهجه چهارلنگ و هفت‌لنگ است (صالحی، ۱۳۶۹: ۱۴). گویش مردم نواحی ییلاق و قشلاق بختیاری با هم متفاوت است و حتی گونه‌های زبانی دورکی‌باب، ببادی‌باب و دینارانی‌باب نیز با هم متفاوت هستند (قبری عدیوی، ۱۳۹۱: ۴۱). این تفاوت بیشتر در نوع تلفظ واژگان است تا ساختار دستوری. درحقیقت، در گویش بختیاری هر طایفه و تیره، لهجه مخصوص خود را دارد که عوامل اقلیمی همچون سردسیر و گرمسیر در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است.

۳-۲. جنسیت

جنسیت- غیر از سن- از عوامل بسیار تأثیرگذار در اشعار عامه بختیاری است. «جنسیت رفتارها، نقش‌ها، فعالیت‌ها، نگرش‌ها و مسئولیت‌های منسوب به زن یا مرد در جامعه است» (جزنی، ۱۳۸۰: ۱۳). درحقیقت، جنسیت هویت اجتماعی مردان و زنان است. در جوامع مردسالار هویت و جایگاه مردان را برتر از زنان می‌دانند و به گونه‌ای بین

آن‌ها نابرابری وجود دارد. مبنای نظری این پژوهش نیز نظریه فمینیسم لیبرال با تکیه بر نابرابری جنسی است. نابرابری جنسی، یکی از سه نظریه فمینیستی است که بر اساس آن به بررسی وضعیت زنان پرداخته می‌شود. این نظریه دربردارنده چهار مضمون است: ۱. زنان و مردان، موقعیت‌های نابرابری دارند؛ ۲. این نابرابری از سازمان جامعه ناشی می‌شود؛ ۳. با وجود تفاوت در استعدادهای افراد، هیچ‌گونه الگوی تفاوت طبیعی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز کند؛ ۴. دگرگون‌ساختن موقعیت زنان امکان‌پذیر است (ریترز، ۱۳۸۴: ۴۷۳). فمینیست‌گرایش‌های متفاوتی دارد که ویژگی مشترک تمام آن‌ها، اعتقاد به ستم بر زنان در جامعه مردان است. آن‌ها خواستار حقوق اجتماعی و سیاسی برابر برای زنان با مردان‌اند. لیبرال فمینیسم، بر نابرابری جنسی تأکید دارد و درصدد تبیین این نابرابری است. هدف آن‌ها، این است که نشان دهند: «تفاوت‌های قابل مشاهده میان دو جنس ذاتی نیست؛ بلکه نتیجه جامعه‌پذیری و «همگون‌سازی جنس و نقش» است. تفاوت رفتار با دختران و پسران که کمابیش از بدو تولد آغاز می‌شود، از شکوفایی کامل ظرفیت‌های انسانی زنان جلوگیری می‌کند». از نظر لیبرال‌ها، زنان به طور بنیادین با مردان تفاوت ندارند. آن‌ها خواهان اصلاح جامعه هستند تا زنان و مردان به فرصت‌های برابر با مردان در جامعه دست یابند.

۳-۳. جنسیت در ترانه‌های بختیاری

۳-۳-۱. لالایی‌ها و ترانه‌های نوازشی

لالایی‌ها و ترانه‌های نوازشی، نقش مهمی در نهادینه‌کردن ارزش‌ها و باورها در فرهنگ بختیاری دارند؛ زیرا در این اشعار، از مطلوب‌هایی سخن گفته می‌شود که کودکان باید بیاموزند و نخستین اشعار و حتی واژگانی هستند که کودک با آن‌ها آشنا می‌شود. «لالایی‌ها یکی از غنی‌ترین ابعاد فرهنگ معنوی جامعه به حساب می‌آیند و نقش فراوانی در اجتماعی‌کردن افراد جامعه دارند و نیز نخستین آموزه‌های فرهنگی هستند که به این وسیله مادران به فرزندان منتقل می‌کنند» (کیانی، ۱۳۹۱: ۹۳). ترانه‌های نوازشی نیز در عین

اینکه عرصه «انتقال و ایثار محبت، مهربانی، شادی قلب و روح و نوازش‌دهنده به کودکان، نشان‌دهنده برخی عقده‌ها، کمبودها و امیال سرکوفته هستند و از این حیث مضمون این نوع ترانه‌ها شبیه به لالایی‌هاست» (خالق‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۵۴). یکی از ویژگی‌های مهم این اشعار، جنبه واقع‌گرایی آن‌هاست؛ به گونه‌ای که مضامین آن‌ها پیوند نزدیکی با مسائل زندگی دارند و مباحث اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه را منعکس می‌کنند. در این اشعار هم به جایگاه پسر و دختر و صفت‌ها و انتظارات از آن‌ها و هم به دغدغه‌های زنان به‌عنوان سرایندگان این‌گونه اشعار اشاره می‌شود.

مهم‌ترین مسئله و محتوای لالایی‌ها و ترانه‌های نوازشی، توجه به جنس مذکر، احساس شادی، شکرگزاری و افتخار به داشتن پسر است که این امر نشان از جایگاه والای پسر در فرهنگ بختیاری دارد. صفت‌های متناسب به پسران عبارت است از: سخن‌دانی، شجاع، عاقلی و باهوشی. از آنجا که این نوع صفت‌ها برای زنان به‌کار نرفته‌اند، می‌توان گفت صفت‌های مردانه هستند که کودک پسر باید آن‌ها را بیاموزد. همچنین برخی از این صفت‌ها مانند شجاعت و سخن‌دانی، صفت‌هایی‌اند که بیشتر در عرصه عمومی و بیرون از خانه به آن‌ها نیاز است؛ بنابراین از طریق این اشعار، از دوره کودکی برای پسر نهادینه می‌شود که باید صفت‌هایی را بیاموزد و کارهایی را انجام دهد که مربوط به حیطه اجتماع و بیرون از خانه است. بدین ترتیب برای پسر این‌گونه نهادینه می‌شود که خانه مختص زنان است و بیرون از خانه مختص مردان.

در برخی از لالایی‌ها، به جایگاه اجتماعی پدر و کارهای مختص مردان اشاره می‌شود، از جمله کدخدابودن، آبیاری و خرید کردن. این امر یکی از مهم‌ترین زمینه‌های جنسیتی در فرهنگ بختیاری است؛ زیرا داشتن جایگاه اجتماعی مانند کدخدایی و کارهای بیرون از خانه مختص مردان است و زنان نمی‌توانند به چنین جایگاه‌هایی برسند یا چنین کارهایی را انجام دهند. در ترانه‌های نوازشی و لالایی‌ها، کمتر به مسائل ازدواج پسران پرداخته شده و در همان موارد محدود نیز به او گوشزد شده است که زن گرفتن، برای انجام کارهای خانه است.

۱-۳-۳. صفت‌ها و مفاهیم مردانه در لالایی‌ها و ترانه‌های نوازشی

• شکرگزاری از خداوند به سبب فرزند پسر

شکرس با آقا خدا کری داده به ایما

Šokres bā āqā xodâ/ kori dāde be imā

برگردان: خداوند را سپاس‌گزاریم که پسری به ما داده است.

• دعا برای زنده ماندن پسر

شکرت شکرت شکرونی ای خدا دادی نستونی

Šokret šokret šokrooni/ ay xodā dādi nastooni

برگردان: خدایا با سپاس فراوان از تو، این پسری را که به ما داده‌ای، پس نگیر.

• افتخار و نازکردن به پسر

بوم تو، گگوم تو به یوریم به باغ توتو

Bavoom to gagoom to/ be yaw rim be bāqe toto

برگردان: بابام تو هستی، برادرم تو هستی، بیا به باغ سماق برویم.

باغ گلمی تو، جون دلمی تو خرمنی تو، حاصلمی تو

Bāq golomi to joone delomi to/ xarmanomi to hāselomi to

برگردان: باغ گل من، جان دل من، خرمن و حاصل من تو هستی.

توقوتمی، تو عزتمی، تو حرمتمی

To qovatomī to ‘ezatomī to hormatomī

برگردان: تو نیرودهنده به من هستی، تو مایه عزت و حرمت من هستی.

برارم، برارم، برارم عزیزمی، امید روزگارم

berārom berārom berārom/ ‘azizomī omide rozegārom

برگردان: تو برادر من هستی و عزیز و امید روزگار من.

• اشاره به جایگاه اجتماعی پدر

بیورودم که دستبندت طلایه بده بووسی که بوت کدخدایه

Beyaw roodom ke dastbandet telāye/ bede boosi ke bavat

kadxodāye

برگردان: بیا فرزندم که دستبندت از طلاست و بوسی بده که پدرت کدخداست.

اله لالایی لالایی گل تنگس / اله لالایی بوت ره به میلس

Ala lālāi lālāi gole tenges/ ale lālāi bavat rah be mayles

برگردان: اله لالایی، لالایی گل تنگس، پدرت به مجلس رفته است.

• اشاره به زیبایی پسر

خوشگل خوشگل اناری / خدا کنه ننالی

Xošgel xošgel anāri/ xodā kone nanāli

برگردان: همانند انار خوشگل هستی، خدا کند که هرگز ناله نکنی.

• عاقل و هشیار

قربون گوشش وا عقل و هوش

Qorboon gooš vā aqlo hooš

برگردان: قربان گوشش که با عقل و هوش است.

• سخن دان

قربون زون / سیب سخن دون

Qorboone zevoon/ sibe soxandoon

برگردان: قربون زبانش که مانند سیب سخن دان است.

• شجاع و شکارچی

کس کار وات داشت؟ / کی زهله داشت

Kas kār vāt dāšt/ ki zahle dāšt

برگردان: [از جایی که می‌آمدی کسی] با تو جنگ کرد؟ هیچ کسی جرئت این کار

را داشت؟

آی تنگه تنگه تنگه / کرم زیده پلنگه / پلنگ دم تنگه

āy tange tange tange/ korom zayde pelange/ pelange dame tange

برگردان: دست دست دست. پسر پلنگ را شکار کرد، پلنگ دم دره را.

• اشاره به کارهای مردانه

سر و جونم به قربون سرت با / بوت آورد ز دسپیل بار خرما

Saro joomom be qorboon saret bā/ bavāt āvard ze despil bāre xormā

برگردان: سر و جان من قربان سرت باشد، بابات از دزفول خرما آورد.

بیوت رهد به او یاری دم بیلش طلاکاری

Bavat rahde be awyāri/ dame biles telā kāri

برگردان: بابات برای آبیاری رفته و نوک بیلش از جنس طلاست.

• ازدواج پسر

ای گرم کینه بستونه دو دهدر گوجونی

یکی سی گله داری یکی سی حونه داری

I korom kine bestone/ do dohdare goojooni// Yaki si gale dāri/ yaki si hone dāri

برگردان: این پسر با کی ازدواج کند با دو دختر گوجانی. یکی برای محافظت از

گله‌ها یکی هم برای کار در خانه (قنبری، ۱۳۹۱: ۱۴۷؛ حسین‌پور، ۱۳۹۱: ۲۹۰-۳۴۰؛ شیخی، ۱۳۹۳: ۸۶).

از جمله مسائل مهم در ترانه‌های نوازشی و لالایی‌هایی که مخاطب اصلی آن‌ها دختران است، اشاره به در پس پرده و در خانه ماندن دختران است و اینکه تنها پسران می‌توانند همراه پدر برای انجام کار به بیرون از خانه بروند (ر.ک: جدول ۲). بدین طریق به دختران گوشزد می‌شود آن‌ها باید در کنار مادران خود در خانه بمانند. از طریق این اشعار، این ارزش در فرهنگ بختیاری نهادینه می‌شود که زن فرشته خانه است و نباید وارد حیطة‌ای شود که مخصوصش نیست و به ارزشش آسیب می‌رساند.

مضمون دیگر این اشعار، سخن‌گفتن از دغدغه‌های زنان مانند ازدواج شوهر و مسئله چندهمسری است. از آنجا که این دغدغه در قصه‌ها و مثل‌ها نیز بسامد بالایی دارد (رضایی، ۱۳۹۲: ۲۴۹)، می‌توان گفت مهم‌ترین دغدغه زنان بختیاری است. چندهمسری به دلایل مختلف از جمله به دلیل اقتصادی (انجام کارهای مختلف اقتصادی) در فرهنگ بختیاری رواج داشته؛ اما این موضوع از سوی زنان پذیرفته نشده

است و به شیوه‌های مختلف از جمله در اشکال روایی و ترانه‌ها آن را مطرح و به آن اعتراض می‌کنند.

از دیگر دل‌نگرانی‌های زنان- که بسامد زیادی در این اشعار دارد- نبودن شوهر در کنار خانواده و انتظار برای بازگشت اوست. زن خواننده اشعار همواره به کودک خود نوید می‌دهد، پدرش برای انجام کار به بیرون از خانه رفته است، به زودی بازمی‌گردد و آن‌ها را در سایه حمایت خود می‌گیرد. در این ترانه‌ها نیز به صورت غیرمستقیم این ارزش نهادینه می‌شود که مردان می‌توانند برای انجام کار به بیرون از خانه بروند و زنان باید در خانه بمانند و کارهایی مانند بچه‌داری را انجام دهند. «[نبودن پدر در خانه] حاکی از آن است که تأمین اقتصادی خانواده بر عهده مردان بوده و زنان به مدیریت منزل و پرورش و تربیت فرزند مشغول بوده‌اند» (عنایت، ۱۳۹۰: ۶۴).

در میان صفت‌های منتسب به زنان بیشتر زیبایی زن و مهارتشان در انجام کارهای زنانه مانند پخت نان، آب‌آوردن و دوغ‌زدن اشاره شده است. این اوصاف در مقایسه با صفت‌ها و کارهای مردان، ارزش کمتری دارند و مردان برای جلوگیری از زنانه‌شدن، به این امور مبادرت نمی‌ورزند.

از مهم‌ترین مضامین ترانه‌ها و لالایی‌های مربوط به دختران، ازدواج آن‌هاست. در جوامع سنتی و مردسالار، زن از طریق ازدواج هویت می‌یابد، بدین سبب بر این موضوع تأکید بسیار می‌شود. «از آنجایی که در جامعه مردسالار، دختران تنها از طریق ازدواج هویتی اجتماعی می‌یابند، این امر در زندگی آن‌ها نقش و اهمیتی بسیار پیدا کرده است» (بشیری، ۱۳۹۰: ۵۸). همچنین مضامین مربوط به ازدواج که در این اشعار انعکاس یافته است، نشان از آرمان‌های زنانه دارد. در این اشعار سه خواسته یا معیار برجسته شده است: عروس کدخدا شدن (افراد لایق صاحب‌جاه و مقام)، عروس خویشان نزدیک (عموزادگان) شدن، و به ازدواج درنیوردن آن‌ها با افراد نالایق و غریبه. این معیارها نشان از آن دارد که در فرهنگ بختیاری بیشتر ازدواج درون‌گروهی (ازدواج با پسرعمو) رواج دارد و ارزش شمرده می‌شود. ازدواج برون‌گروهی، سبب می‌شود زن با خویشان

تأثیر جنسیت بر اشعار عامه بختیاری _____ حمید رضایی و همکار

خود کمتر و سخت تر رابطه داشته باشد؛ بنابراین ازدواج با خویشان بر ازدواج برون گروهی ترجیح داده می شده است.

۲-۱-۳. صفت‌ها و مفاهیم زنانه در لالایی و ترانه‌های نوازشی

• زیبایی جسمانی

دهدر مالا خوش کد و بالا

Dohdare mālā/ xoš kado bālā

برگردان: دختر خانواده و طایفه کمر و بالاتنه زیبایی دارد.

• در پس پرده بودن زنان

کرم وا بوس به شکال درم پس پرده من مال

Korom vā bavas be šekāle/ dorom pase parde mene māle

برگردان: پسر با پدرش به شکار رفته است و دخترم در خانه و پس پرده و در

خانه.

• ازدواج دختر

لا لا لا گل نانا دو دست دهدرم مین جیو خانانا

Lālā lālā gole nānā/ do daste dohdarom min jive xānā

برگردان: لالا لالا گل نعان، دست دخترم در جیب خوانین باشد.

لا لا لالایی، لایی خرگوش دو دست دهدرم مین جیو عاموش

Lālā lālāi lāi xargoš/ do daste dohdarom min jive ‘āmoš

برگردان: لالا لالایی لایی خرگوش. دو دست دخترم در جیب عمویش.

دهدری دارم هزار میشی نیدومس مرد لیشی

Dohdari darām hezār miši/ nidomes marde liši

برگردان: دختری به ارزش هزار میش دارم و به مرد بی لیاقت نمی دهمش.

• دیدار خویشان زن

بخوس جونم که هالوت وید به میلس تو بکن خو خیری، مو برم به سیلس

Bexaws joomom ke hāloot vayde be mayles/ to bekon xaw xayri mo berom be sayles

برگردان: جانم بخواب که داییات به مجلس آمده است. تو خواب خوش‌یمنی بکن تا من به دیدنش بروم.

• نگرانی همسر از نبودن شوهر

لا لا گل چایی بگو بابا کی می‌آیی

Lālā gole čāi/ bego bābā kay miyāi

برگردان: لا لا گل چایی. بگو بابا کی باز می‌گردد.

• نگرانی مادر از چندهمسری

لا لا گل زیره بابات رفته زن بگیره

لا کارش سر بگیره دل مادر جا بگیره

Lālā lālā gole zire/ bābāt rafte zan begire// elā kārš sar nagire/ dele mādar ja begire

برگردان: لا لا لا لا گل زیره. بابایت رفته است زن دیگری بگیرد. الهی کارش سامان نگیرد تا دل مادرت آرامش بیابد.

• ناز کردن به دختر

دهدرم دهدرزنه او یاره مشک ایزنه

او یاره هیمنه اشوره رختا میرنه

Dohdarom dohdarzane/ aow yāre mašk izane// aow yāre himane/ ešore raxtā mire lišane

برگردان: دخترم دخترم زن است. آب می‌آورد، دوغ می‌زند. آب با هیزم می‌آورد و لباس‌های شوهر را می‌شوید.

• اشاره به کارهای زنانه

خو خیری برات تا مورم به هیمه بیارم هیمه بلیط خار گینه

Xave xayri berāt ta mo rom be hima/ beyārom hime balit xāre gina

برگردان: به خواب خوش بروی تا من هیزم بیارم. هیزم بلوط و خارگون.

خوه خیری برات تا میسیم چاست پزم نون، بیارم او، زخم ماست

Xave xayri berāt tā maysime čāst/ pazom noon beyārom aow zanom māst

برگردان: تا موقع عصر، خواب بروی تا نان بپزم، آب بیاورم و دوغ بزنم (قنبری، ۱۳۹۱: ۱۴۸؛ حسین پور، ۱۳۹۱: ۲۹۰-۳۴۰؛ حنیف، ۱۳۸۶: ۲۷).

۲-۳-۳. اشعار مربوط به عروسی

مردم بختیاری در جشن‌ها، به‌خصوص جشن عروسی، اشعار مختلفی مانند آلمان آلمان، نی‌نی، دیمه دیمه، دی گلمی، آهای گل و دوالالی می‌خوانند. ترانه‌های آهای گل و دوالالی از مهم‌ترین، شادترین و پرهیجان‌ترین ترانه‌های رایج در عروسی عشایر بختیاری هستند. تفاوت این دو ترانه با هم در نوع آهنگ و نوع جواب دادن در هنگام پایان یافتن آن‌هاست. هنگامی که خواننده، ترانه آهای گُلی را به پایان می‌برد، حضار پاسخ می‌دهند: «آهی گُل»؛ اما در پایان دوالالی پاسخ‌دهندگان می‌گویند: «آهی گُلی گُلی گُلی». این ترانه‌ها را دختران و زنان با آواز مخصوصی به طور دسته‌جمعی می‌خوانند (خسروی، ۱۳۶۸: ۱۳۹).

با بررسی صفت‌ها و خصوصیات به‌کار رفته در اشعاری که در وصف عروس و داماد سروده شده‌اند، می‌توان به نگرش، باورها و ارزش‌ها، ویژگی‌های مطلوب عروس و داماد و نقش زن و مرد در خانواده پی‌برد. این اشعار ضمن بازنمایی و بازتاب جایگاه زن و مرد در فرهنگ بختیاری، نقش مهمی نیز در نهادینه‌کردن این جایگاه دارند. از آنجایی که در این نوع اشعار، معیارهای مطلوب برای زن و مرد در خانواده به‌تصویر کشیده می‌شود، آن‌ها باید تلاش کنند خود را به این معیارها نزدیک سازند، بدین ترتیب این باورها در جامعه نهادینه می‌شود. در این اشعار داماد همواره در عرصه عمومی و اجتماعی به‌تصویر کشیده می‌شود. وی سخن‌ران و مجلس‌نشین است، باسواد بودن مختص اوست و می‌تواند از این امتیاز استفاده کند. شجاعت که لازمه حضور در اجتماع است، اختصاص به وی دارد. مهارت‌هایی همچون سوارکاری و شکارچی بودن در وی دیده می‌شود و ثروتمندبودن از دیگر خصوصیات است که او باید داشته باشد.

این امر بدین سبب است که تأمین نیازهای اقتصادی خانواده بر عهده مرد است و اوست که باید با اشتغال در بیرون از خانه این نیازها را رفع کند.

۱-۲-۳. مفاهیم و صفت‌های مردانه در اشعار عروسی

• ثروتمند و مالک

رهمون دیره رهمون دیره رهمون دیره ناهوار

وای ز بالای آقا دوماد هممون ماشین سوار

Rahmoon dire rahmoon dire Rahmoon dire nāhevār/ vai ze bālāiye āqā
doomād hammoon māšin sovār

برگردان: راهمان دور و ناهموار است؛ اما از بالایی داماد ماشین سوار هستیم.

دعوتیمون دعوت و شیر گامون شربتِ از دولتی آقا دوما سفرمون پر ناز و نعمت

Da'vatimoon da'vate vo šire gāmoon šarbate/ az dowlatiye āqā doomā
soframoon por nāzo ne'mate

برگردان: مدعوین، دعوت شده‌اند و شربت‌مان از شیر گاو است. از سعادت و خوشبختی

حاصل شده از طریق داماد سفره‌مان پر از نعمت است.

• شکارچی

تیشترک و پازنک ایچرن گم بَسرح دردیچیدم آقا دوماد تیروند و مینا سرخ

Tištarak-o pāzenak ičaren gome bosorh/ dardi čidām āqā doomād tir
vand ve maynā sorh

برگردان: پازن و بچه یکساله‌اش غنچه علف خوشبوی «بسرح» را می‌چرند؛ اما

دوماد - که بلا از او دور باد - مینا (روپوش زنانه) سرخی (کنایه از دختر) را شکار کرد.

• باسواد

کر کچیره آقا دوا پیش ملا میتو جوس و گل بشورین خس ز گل عزیزتره

Kore kočire āqā doomā piše molā maytave/ jovas vā gol bešoorin xos
ze gol 'aziztare

برگردان: آقاداتاماد پسر کوچکی است که پیش ملای مکتب‌خانه است. پیراهنش را با

گل بشوید که خودش از گل عزیزتر است.

• شجاع

موکری با جرئتم ده تیر و دستم شیربها چهار صد تمن به نال اسیم

Mo kori bā joratom dah tir ve dastom/ širbahā čārsad tooman be nāle
asbom

برگردان: من پسری شجاع هستم و تفنگ ده تیر در دستم، شیربها چهارصد تومان
است و آن را هیچ می‌شمارم.

• زیبایی جسمانی

هی پل بوندن هی پل بوندین چو انار ترکه کنار

هی تا بیا هه بگذرده شیرم دو ما کد هو ار

Hay pol bovandin hay pol bovandin čoo enār tarke konār/ hay ta
beyāhe begodarde širm domā kad hevār

برگردان: پل ببندید، پل ببندید از چوب انار و ترکه. کنار بروید تا داماد زیبا اندام
بیاید و از آن بگذرد.

• مجلس نشین و سخن دان

هی خان اوید و خان اوید و خان اوید گل گشت

هی خان دووا شیرم پیا زونی بزید او ی نشست

Hay xān evayd o xān evayd golegašt/ hay xān devā širom piyā zooni
bezayd ovay nešast

برگردان: خان برای گشت و گذار و تفریح آمده است. خان داماد مانند شیر زانو زد و
در مجلس وی نشست.

• سوارکار

سوارون سوار اوین شاه دو ما کل سوار گرت او ی زینس گرد گم نیزس وا دیار

Sovāroon sovār evayn ša doomā kol sovār/ gart evay zins gered gome
nayzas vā deyār

برگردان: سوارکاران سوار شدند و داماد بر اسب دم‌کوتاهی سوار شد. گرد زینش را
گرفت و نوک نیزه‌اش پیدا است (عبداللهی، ۱۳۷۲: ۱۱۱؛ حسینی، ۱۳۷۶: ۱۱۳-۱۲۴).

گفتنی است داماد شخصیت اصلی این اشعار است و عروس نقش فرعی دارد و این امر به سبب فرهنگ مردسالاری است.

در ترانه‌های عروسی، زن زیورآلاتی دارد که فرع بر ثروت مرد شمرده می‌شود. در این اشعار از مذهب و باورهای دینی عروس سخن گفته می‌شود؛ درحالی‌که در وصف داماد به این مسئله اشاره‌ای نشده است؛ زیرا در فرهنگ بختیاری زنان را مذهبی‌تر از مردان می‌دانند. «زنان بیش از مردان به مذهبی‌بودن علاقه‌مندند و در امور دینی بیشتر فعالیت می‌کنند» (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۳: ۲۵). از عروس انتظار می‌رود حجب و حیا داشته باشد و آرامش خود را حفظ و احساس امنیت کند. در مقایسه با صفت‌های مردان، نابرابری جنسی دیده می‌شود. داماد شجاع است؛ ولی برای عروس تأمین امنیت می‌شود. داماد عاقل است؛ اما عروس باید حیا داشته باشد. داماد سوارکار و شکارچی است؛ اما زن از این نوع مهارت‌ها ندارد و بافنده و آشپز است. داماد مالک و ثروتمند است؛ در حالی‌که زن تنها زیورآلاتی دارد.

در جوامع مختلف نابرابری جنسی به دو صورت خصمانه و عطوفت‌آمیز دیده می‌شود. در نوع اول زنان تهدیدی هستند برای موقعیت مردان و احساسات منفی دارند؛ اما در شکل عطوفت‌آمیز، زنان باورهای مثبت دارند و این باورها زنان را برای نقش‌های خردتر و زبردست مناسب می‌سازد (بارون، ۱۳۸۸: ۳۳۶). در فرهنگ بختیاری نیز نابرابری جنسی از نوع عطوفت‌آمیز است. صفت‌های برتر مانند شجاعت، جنگجویی، صیادی و سوارکاری به مردان نسبت داده می‌شود و زنان در عین مثبت‌بودن جایگاه پایین‌تری دارند.

۲-۳-۳. مفاهیم و صفت‌های زنانه در ترانه‌های عروسی

• خانه‌دار

دا تون ایگم رو تون ایگم حونه داری خو بکن

سفر سنگین حونه رنگین یه کنیز وایام بکن

Dā tone igom ro tone igom hone dāri xoo bekon/ safar sangin hoone rangin ya kaniz vā bām bekon

برگردان: ای مادر و عزیزم به تو می گویم خوب خانه داری کن. سفرت سنگین باشد
خانه ات رنگین و زیبا کنیزی نیز همراه من کن.

• دارنده زیورآلات

سر که سیل ایزنم گل و گلدونه سر دسش و طلا شیر پالس کتونه

Sare ko sayl izanom gol ve goldoone/ sare daseš vo telā šir pāled
katoone

برگردان: سر کوه نگاه می کنم گل در گلدان است. سر دستش طلا و شیر پالش
(پارچه ای برای صافی کردن شیر) از جنس کتان است.

• دعوت به رعایت حجب و حیا

خانم عروس خانم عروس مر نویدی وا خور عروسیت و کار سر و چادر در و در

Xānom ‘aroos xānom ‘aroos mar navaydi vā xevar/ ‘aroosit ve kāre
sar ve čāder de ve dar

برگردان: عروس خانم مگر خبر نداری. عروسی ات است پس با چادر بیرون بیا.

• اعتقادات مذهبی

هی موتورچی هی موتورچی چرخ موتور طلا

مین موتور خانم عروس خ ر سی کربلا

Hay motorči hay motorči čarxe motored telā/ min motor xānom ‘aroos
xo re si karbalā

برگردان: ای موتورچی، موتورت از جنس طلا. درون موتور خانم عروس نشسته

است و می خواهد به کربلا برود.

• دعوت به آرامش و احساس امنیت

آستاره ریز آستار ریز آستاره دنباله دار غم نخوری خانم عروس صد نفر دینت قطار

āstare riz āstare riz āstare donbāle dār/ qam naxori xānom ‘aros sad
nafar dint qatār

برگردان: آستاره ریز، آستاره ریز، آستاره ریز دنباله دار، خانم عروس غم نخور صد نفر

به دنبال توست.

• آماده‌بودن اسباب عروسی

ای حمومی ای حمومی ره حمومت کجاست

تا بیارم زینه گووم سنگ پاشورس طلاست

Ey hamomi ey hamomi rahe hamomet kojāst/ tā beyārom zine gavoom
sange pāšors telāst

برگردان: ای حمومی، ای حمومی، راه حمومت کجاست؟ تا زن برادرم را که سنگ

پاشورش از طلاست، بیاورم (پوره، ۱۳۸۱، ۱۶۰؛ حسینی، ۱۳۷۶: ۱۱۳-۱۲۴).

۳-۳-۳. سوگ‌سروده‌ها

سوگ‌سروده‌ها که عنوان‌های مختلفی چون سرو و گاگریو دارند، اشعاری در بیان عظمت و مهارت‌های فرد متوفا هستند. «سوگ‌آواها و آنچه مردمان ایل، گاگریو می‌گویند، عمدتاً بر اساس ویژگی‌های فرد متوفا متفاوت است. بدین منظور، بر اساس اینکه متوفا زن یا مرد و پیر یا جوان بوده و اینکه از چه جایگاه و منزلتی در ایل و طایفه‌اش برخوردار بوده است، نوع مفاهیم به‌کاررفته متفاوت است» (مقصودی، ۱۳۹۳: ۳۲۶). در این اشعار، به ویژگی‌های مطلوبی که زن و یا مرد به آن دست یافته‌اند، اشاره می‌شود و برای هر شخص ویژگی یا ویژگی‌های خاصی برجسته می‌گردد؛ اما بررسی مجموع آن‌ها نشان‌دهنده این است که در فرهنگ بختیاری چه نوع نگرشی نسبت به این دو جنس وجود دارد.

در فرهنگ بختیاری برای نشان‌دادن بزرگی و جایگاه والای زن، صفت‌های مختلفی به او نسبت می‌دهند که این صفت‌ها و کارها با صفت‌های مردانه متفاوت است. مهمان-نواز بودن، از مهم‌ترین صفت‌های منسوب به زنان در سوگ‌سروده‌هاست. از آنجا که در فرهنگ بختیاری مانند بسیاری از دیگر فرهنگ‌ها، زنان را احساسی‌تر از مردان می‌دانند و «این نظر که زنان بیش از مردان احساساتی هستند، پذیرفته شده است» (آیزنک، ۱۳۷۵: ۱۲۸)، صفت‌هایی همچون غم‌خواری، رازداری و مهربان‌بودن بیشتر اختصاص به آنان دارد.

همچنین برای بیان بزرگ بودن زنان، به آن‌ها صفتهای مردانه نسبت می‌دهند و آن‌ها را به مردان مانند می‌کنند. نکته قابل توجه آنکه «زنان با یک مشکل کلیدی مواجه هستند؛ صفاتی که بنا به فرض دارای آن‌ها هستند، برای اشخاص دارای پایگاه بالا، کمتر مناسب تلقی می‌شوند تا صفاتی که بنا به فرض مردان واجد آن‌ها هستند» (بارون، ۱۳۸۸: ۳۱۶). در فرهنگ بختیاری نیز، تنها برای نشان دادن بزرگی زنان صفتهای مردانه را به آن‌ها نسبت می‌دهند و عکس آن انجام نمی‌شود. این موضوع یکی دیگر از نشانه‌های نابرابری جنسی است که از طریق این نوع اشعار نهادینه می‌شود. دیگر صفتهای زنان، آن‌ها را در حال انجام دادن کارهای خانه به شیوه مطلوبی ترسیم می‌کند؛ چنان‌که زن کدخدای خانه است، برای خانواده فداکاری می‌کند، مسئول تربیت فرزندان است و کارهای خانه را به بهترین شکل انجام می‌دهد.

۱-۳-۳. مفاهیم و صفتهای زنانه در سوگ سروده‌ها

• فداکار در راه خانه

بی به سر او، شدنه ششته بی به سی گگون خون زیده کشته

Bi be sare aow šadane šošte/ bi be si gagoon xon zayde košte

برگردان: بی بی بر سر آب روسری را شسته و برای برادرانش خود را کشته است.

• کدخدا در خانه

کدخدا حونه سی چه نی کنه کار به گمون خاطر م اویده بیمار

Kadxodā hone si če nikone kār/ be gemoon xāterom oveyde bimār

برگردان: کدخدای خانه چرا کار نمی‌کند. به گمانم مریض شده است.

• بخشنده

بی دیدم سر چشمه جم زر به دستس او دد به تشنه

Bi didom sare češma/ jome zar be dastes aow de be tešna

برگردان: بی بی را دیدم سر چشمه که با جام زرین آب به تشنه می‌داد.

نه بیوی نون /پیزه به تیر باریک گویلس بهر ایکنن به شو تاریک

Na bivi noon ipaze be tire bārik/ gawyaales bahr ikonon be šaow tārik

برگردان: بی‌بی در چوب نان‌پزی باریک نان می‌پزد و برادرانش آن را در شب تاریک به دیگران می‌دهند.

• بزرگ مثل مردان

کی دیده و ره رو گل پیاهی وانیاسون برو مینا سیاهی

Ki dide ve rah reve gale piyāhi/ vāniyasoon bereve maynā syāhi

برگردان: کی دیده که گروهی مرد راه بروند و جلو آنان زن چادرسیاهی حرکت کند.

مگوهین زنی مُرد چه شاه زنی مُرد کدخدا کلونتر سر لشکری مُرد

Magohin zani mord če šah zani mord/ kadxodā kaloontar sar laškari mord

برگردان: نگویید که زنی مرد؛ بلکه شاه‌زنی مرد. کدخدا، کلونتر و سرلشکری مرد.

• شجاع

زینه و میره مالمسون به روونه زینه شیر زنه میره رستمونه

Zine vo mire malesoon be roone/ zine šir zane mire rostamoone

برگردان: زن و مرد مالشان به راه است. زن شیرزن است و مرد رستم است.

• مهمان‌نواز

سر میچ اسپید بوی برنج اکنه دم شل شلون مال خمون امشو ابون جم

Sare moče espide bevi bernj ekone dam/ šol šoloon māle xomoon eboon jam

برگردان: با سر دست و پنجه سفید بی‌بی برنج می‌پزد. افراد زیبااندام خانواده امشب جمع می‌شوند.

ای بیوی برنج بکو باد پسین گویت مهمونتن دیروقت رسیدن

Ay bivi bernj bekoo bāde pasine/ gaowyalet mehmooneten dirvaqt resine

برگردان: ای بی‌بی برنج بکوب که هنگام عصر است. برادرانت مهمانت هستند و دیر هنگام رسیده‌اند.

• دارای زیورآلات زنانه

شده بی‌ریشه‌ها بسد دار / شش‌تس تشتی وندس و چندار

Šade birišhehā bosad dār/ šoštese tašti vandese xe čendār

برگردان: بی‌بی روسری [که] بی‌ریشه و مرجان دار[است]. شسته و روی درخت چندار انداخته است.

بی بی گل رنده باده ره ددنه گا / پیچکاسنگین، دستاس هی کنه با

Bibigol ronde bade rah dodane gā/pičakā sanguine hay dastās kone bā

برگردان: بی‌بی گل برای دوشیدن گاو ظرف را برداشت و رفت؛ اما از آنجا که پیچک(دستبند)هایش سنگین هستند، دستش ورم کرد.

• زیبایی ظاهری

نه پل بیوی، چی اورشم خم با / دادسه ددوس بوفه چوقا

Na pale bivi či aowrešome xombā/ dādese dadoos bovafe čooqā

برگردان: گیسوهای بی‌بی مانند ابریشم است که آن‌ها را به خواهرش داده تا چوغا بیافد.

چه زنی چه شاه‌زنی ترنه چه طوری / پوشیه مخمل در گشته به موری

Če zani če šāzani torne če taowri/ poošie maxmal dar gašhte be maowri

برگردان: عجب زنی، چه شاه‌زنی! طره‌های بسیار زیبا داشت. جامه مخملی را پوشید و وارد منطقه موری شد.

• ماهر در کارهای زنانه

دست‌گر چینی گرتنه نخوره مار / تا دوراته بوینم نقش‌ت به تمدار

Dastgere čini garte naxore mār/ tā dovorāte bevinom naqšete be tamdār

برگردان: دست‌های بافنده تو را مار نخورد تا دوباره نقش‌های کشیده‌شده تو را روی بافنده‌ها ببینم.

به خروس اولی بی‌بی زنه ماست / مشکدو بلغار ملار ز خلدنگ راست

Be xoroose avail bibi zene māst/ maškedoo bolqār malār ze xadang
rāst

برگردان: صبح زود بی‌بی دوغ می‌زند. مشک مخصوص دوغ‌زدن او از بلغار و چوب
ملارش از خدنگ است.

• **مهربان**

بی مهر و غمخوار گوئیل بیو به میلس در بخور سر دسته زنگل

Bi mehraoon qamxāre gaowyal/ beyaow be mayles der boxor sar
daste zangal

برگردان: بی‌بی مهربان غمخوار برادران است. به مجلس بیا و بر کار زنان نظارت
کن.

• **رازدار و غمخوار**

بنشین تا بگمت انخم وریستم درد دل چی برگ گل پیشت بریزم

Benšin tā begomet exom veristom/ dared del či barge gol pišet
berizom

برگردان: بنشین تا به تو بگویم. می‌خواهم بروم. اسرار درون را مانند برگ گل پیش
تو بریزم.

دا بیو و غمخواریم غمخوری ندارم غمخوری چی خوت ز کویه بیارم

Dābeyaw ve qamxārim qamxori nedārom/ qamxori či xot ze koye
beyārom

برگردان: مادر برای غمخواری به پیش من بیا که غمخوار ندارم. من غمخواری مانند
تو از کجا پیدا کنم.

• **مسئول تربیت فرزند**

بیو و حونت بیو و سرکارت بلاکم خوت بکشی جور عیالت

Beyaw ve hoonat ve sare kāret/ balākom xot bekeši jawre ‘ayālet

برگردان: بی‌بی به خانه بیا و کارهایت را از سر بگیر. جز تو کسی نمی‌تواند کارهای
فرزندانت را انجام دهد (داودی، ۱۳۹۲: ۸۱۶؛ حسین‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۳-۱۳۰؛ صالح‌پور،
۱۳۸۸: ۳۲).

صفت‌های مردان نیز همان صفت‌هایی هستند که در ترانه‌های نوازشی، لالایی‌ها و اشعار مربوط به عروسی بازتاب یافته است؛ یعنی شجاع، قدرتمند، جنگاور، شکارچی و صیاد، سوارکار، مالک، چالاک و زرنگ.

اگرچه در فرهنگ بختیاری برخی از تمایزها بین صفت‌های برشمرده شده برای زنان و مردان مانند قدرت، به تفاوت جسمانی آن‌ها مربوط می‌شود؛ ولی بیشتر این تفاوت‌ها ناشی از نگرش‌های اجتماعی جامعه است و مبنای طبیعی ندارد.

۱-۳-۳. مفاهیم مردانه در سوگ‌سروده‌ها

• شکارچی و صیاد

روزگار اولی اوید به یادم آ... کهنه صیاد بید هم‌قطارم

Rozegāre avail ovayd be yādom/ ā ... kohne seyād bide hom qatārom

برگردان: روزگار قدیم به یادم آمد. آ... صیاد قدیمی با من همراه بود.

• شجاع و قدرتمند و جنگاور

مال کنون وقت بهار وا با مال ای دایه وا سر بزنی سی رستم زال

Māl kanoon vaqte bahār vā bā māl/ ay dāye vā sar bezan si rostame zāl

برگردان: هنگام بهار و در زمان کوچ ای مادر بر سر بزنی برای رستم زال.

مون اگون آ... خورزای شیرون گرز شلون جنگ آورون سنگر وریزون

Mon igon ā... xorzāye širon/ gorz šoloon jang āvaroon sangar verizoon

برگردان: مرا آ... خواهرزاده شیران می‌گویند؛ افراد گرزبه‌دست، جنگ‌آور

سنگر خراب‌کن.

اول ز خم بگوهین دویم ز تفنگم سیوم ز لامردونم چهارم ز جنگم

Aval ze xom begoohyn doym ze tofangom/ syom ze lāmerdoon čārom ze jangom

برگردان: اول از خودم سخن بگوئید و دوم از تفنگ و سوم از مهمان‌خانه و چهارم

از جنگم.

• نگران از نداشتن فرزند

چپی درخت ی لکی اولاد ندارم ایترسم بادی بیا ز ریشه دارم
Či deraxte ya leki aowlād nedārom/ itarsom bādi byā ze riše drārom
برگردان: مانند درخت یک شاخه فرزند ندارم. می ترسم بادی بوزد و ریشه من را از
خاک بیرون بیاورد.

• سوارکار

زردکوه یادت و خیر وت نشینم ای گویل وا سر زنین سی اسب و زینم
Zardekoh yādet ve xayr vet nešinom/ ay gawyal vā sar zenin si asbo
zinom
برگردان: زردکوه بادت خوش باد و خوش روی تو بنشینم. ای برادران بر سر زنین
برای اسب و زینم.

• مجلس نشین

به گویلم بگوهمین حق گگویی هر کجا میلس گرین نومم بگوهمین
Be gawyalom begohin haqe gagooi/ har kojā mayles gerin nomom
begohin
برگردان: به برادرانم بگوئید حق برادری را ادا کنند و هر کجا مجلس گرفتند نام مرا
ببرند.

• مالک و ثروتمند

گا به ملکم منهین ای مردم خویش مویبدم صاحا و ملک اویم به درویش
Gā be melkom manehin ay mardom xiš/ mobidom sāhāve melk ovaym
be darviš

برگردان: زمین مرا شخم نزنین ای مردم که من صاحب ملک بودم.
گله میش آ...، میشون ترکی اشنیدم خان خواستس سی جر ملکی
Gale miš ā... mišone torki/ ašnidom xān xāstese si jare melki
برگردان: گله گوسفند فلانی، گوسفند هایش ترکی است. شنیدم که خان او را برای
قضاوت ملکی دعوت کرد.

• چالاک و زرنگ

نه گووم برف اخوهه زلا شنستون همه کس گو خوس چاووک و چستون

Na gavoom barf exohe ze lā šenestoon/ hame kas go xos čāvok o čestoon

برگردان: برادرم برف می خواهد از دره شنستان. همه افراد می گویند خودش می تواند بیاورد که چابک و چست است.

• حامی خانواده

گورم سیلا کنین ایل به روشته بنیرم به بچیلیم به چه زهشته

Goorome silā konini il be ravešte/ beniyarom be bačiyalom be če zehešte

برگردان: مزارم را سوراخ کنید، هنگام کوچ ایل تا بینم فرزندانم به چه شکلی هستند.

• کدخدای ایل

آ... وری مخوس ایل خو کنه بار طایفه بی حرف خت هیچ نیکنه کار

ā... very maxaows il xo kone bār/ tāyfe bi harf xot hič nikone kār

برگردان: آ... بلند شو و مخواب که ایل می خواهد کوچ کند؛ زیرا طایفه بدون دستور تو کاری انجام نمی دهد.

نه خاناکه ایرون بیو و دینسون هر کدوم کج ایگهن بده نهیو سون

Na xānā ke ireven beyaw vedinsoon/ har kodoom kaj igohen bede nihiv soon

برگردان: خانها که می روند به دنبالشان برو و هر کدامشان حرف بد می زنند، بر آنها داد بزن.

• زیبایی جسمانی

کدت باریک بلند باو کمریند بمیرن دات و ددوت سیت نکردن نظریند

kadet bārik boland bāve kamarband/ bemiren dāto dedoot sit nakerden nazarband

برگردان: کمرت باریک و بلند مناسب کمربند است. مادرت و خواهرت بمیرند که چشم‌زخم برایت درست نکردند (داودی، ۱۳۹۲: ۸۱۶؛ حسین‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۳-۱۳۰).

نتیجه‌گیری

جنسیت، از عوامل تأثیرگذار بر اشعار عامه به‌خصوص در فرهنگ بختیاری است؛ به‌گونه‌ای که با توجه به این عامل، اشعار را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: اشعاری که هویت زنانه را به‌تصویر می‌کشند و اشعاری که بازتاب‌دهنده خصوصیت‌های مردانه هستند.

در این اشعار، زنان در عرصه خانه به تصویر کشیده می‌شوند که نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی همچون ازدواج، چندهمسری و بازگشت شوهر به خانه را دارند و مهربان، غمخوار، رازدار، مسئول تربیت فرزند، خانه‌دار، آشپز، مهمان‌نواز، مذهبی، در پس پرده بودن، فداکار در راه خانه و خانواده، زیبا و دارنده زیورآلات، صفات و کارهای مطلوب منسوب به آنان است. مردان در عرصه اجتماع حضور دارند و صفتهایی همچون مجلس‌نشین، سخنران، صیاد، جنگجو، باسواد، صاحب املاک، کدخدا، شجاع، عاقل و زرنگ دارند. بررسی این صفتهای نشان‌دهنده وجود نابرابری جنسی در فرهنگ بختیاری است که به صورت عطف‌آمیز است؛ یعنی اینکه نسبت به صفتهای و کارهای مربوط به زنان نگاه مثبتی وجود دارد؛ اما در مقایسه با کارهای مردانه ارزش کمتری برای آنها قائل می‌شوند. معمولاً برای نشان‌دادن بزرگی زنان صفتهای مردانه به آنها نسبت می‌دهند؛ اما برای مردان از صفتهای زنانه استفاده نمی‌شود و این امر نشان‌دهنده وجود نابرابری جنسی در این فرهنگ است. اشعار عامه نه‌تنها نابرابری جنسی و اجتماعی را بازنمایی می‌کند؛ بلکه در نهادینه‌کردن این امر، نقش مهمی دارند. در این اشعار مطلوب‌ها برای زنان و مردان به تصویر کشیده می‌شود و به صورت غیرمستقیم افراد تشویق می‌شوند تا این ارزش‌ها را بیاموزند و خود را با آنها سازگار

کنند. زنان صفت‌های مطلوب زنانه را می‌آموزند و مردان کارهای مردانه را و بدین ترتیب نابرابری جنسی استمرار می‌یابد.

منابع

- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی زنان*. چ ۵. تهران: نشر نی.
- آیزنک، مایکل دبیلو (۱۳۷۵). *روان‌شناسی شادی*. ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت. تهران: بدر.
- اشمیت، رودیگر (۱۳۸۳). *راهنمای زبان‌های ایرانی*. ترجمه آرمان بختیاری و دیگران. ج ۲. تهران: ققنوس.
- بارون، رابرت و دیگران (۱۳۸۸). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه یوسف کریمی. چ ۲. تهران: روان.
- بشیری، محمود و معصومه محمودی (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای موضوعات و درون‌مایه‌های مرتبط با زنان در داستان‌های زن‌محور زنان داستان‌نویس (۱۳۰۰-۱۳۸۰)». *فصلنامه زبان و ادب پارسی*. ش ۴۷. صص ۵۱-۸۰.
- پوره، کاظم (۱۳۸۱). *موسیقی و ترانه‌های بختیاری*. چ ۱. تهران: آوزان.
- تمیم‌داری، احمد (۱۳۹۳). *فرهنگ عامه*. چ ۳. تهران: مه‌کامه.
- جزینی، نسرین (۱۳۸۰). *نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حسینی، بیژن (۱۳۷۶). *اشعار و ترانه‌های مردمی بختیاری*. چ ۱. اصفهان: شهسواری.
- حسین‌پور، علی (۱۳۹۱). *فرهنگ و ادبیات کودکان بختیاری*. چ ۱. شهرکرد: نیوشه.
- حسین‌زاده، مسعود (۱۳۹۳). *گردآوری، بررسی و تحلیل ادبی و فرهنگی سوگ‌سروده‌های عامیانه بختیاری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شهرکرد: دانشگاه پیام‌نور.
- حنیف، محمد (۱۳۸۶). *سور و سوگ در فرهنگ عامه لرستان و بختیاری*. تهران: طرح آینده.

- خالق‌زاده، محمدهادی (۱۳۹۰). «ترانه‌های کودکانه در ادبیات محلی شیراز». *مجموعه مقالات همایش ادب محلی و محلی‌سرایان ایران*. یاسوج: دانشگاه آزاد یاسوج.
- خسروی، عبدالعلی (۱۳۶۸). *فرهنگ بختیاری*. تهران: فرهنگ‌سرا.
- داوودی حموله، سریا (۱۳۹۲). *دانشنامه قوم بختیاری*. چ ۱. اهواز: معتبر.
- ذوالفقاری، حسن و لیلا احمدی کمرپشتی (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی بومی سروده‌های ایران». *ادب پژوهی*. ش ۷-۸. صص ۱۴۳-۱۷۰.
- رضایی، حمید و ابراهیم ظاهری عبده‌وند (۱۳۹۲). «تصویر زن در قصه‌های عامیانه بختیاری». *زن در فرهنگ و هنر*. دوره ۵. ش ۲. صص ۲۳۹-۲۶۰.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. چ ۸. تهران: انتشارات علمی.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *روان‌شناسی رشد بزرگسالان*. تهران: پیام آزادی.
- شیخی، کمال (۱۳۹۳). *ترانه‌های عامیانه لری: شهرستان لردگان. خانمیرزا و فلارد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. شهرکرد: دانشگاه پیام‌نور.
- صالح‌پور، زینت (۱۳۸۸). جایگاه زن در اشعار، ترانه‌ها و سوگ‌چامه‌های بختیاری. *نجوای فرهنگ*. ش ۱۳. صص ۲۹-۳۸.
- صالحی، علی (۱۳۶۹). *ایل بزرگ بختیاری (فرهنگ واژگان بختیاری)*. تهران: اطلس.
- عبداللهی موگویی، احمد (۱۳۷۲). *ترانه‌ها و مثل‌های بختیاری*. چ ۱. اصفهان: مؤسسه فردا.
- عنایت، حلیمه و دیگران (۱۳۹۰). «لالایی‌ها، رسانه‌ای زنانه یا ملودی خواب‌آور کودکانه؟ (تحلیلی جامعه‌شناختی از لالایی‌های منطقه فارس)». *زن در فرهنگ و هنر*. ش ۲. صص ۵۷-۷۶.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۱). *فولکلور مردم بختیاری*. چ ۱. شهرکرد: انوشه.
- کاظمی، بهمن (۱۳۸۰). *هویت ملی در ترانه‌های اقوام ایرانی*. چ ۱. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۷). *ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران)*. به‌کوشش حسن ذوالفقاری. چ ۴. تهران: چشمه.

تأثیر جنسیت بر اشعار عامه بختیاری _____ حمید رضایی و همکار

-مقصودی، سوده و پژمان شیرمردی (۱۳۹۳). «بررسی مفاهیم سوگ در قوم بختیاری با تأکید بر تحلیل محتوای موسیقی گاگریو». *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*. ش ۲. صص ۳۰۹-۳۲۹.

-کیانی، حسین و سعیده حسن‌شاهی (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی ساختار درون‌مایه لالایی‌های فارسی و عربی». *مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز*. ش ۲. صص ۹۱-۱۱۴.

